

تعامل اجتماعی همسایگی، مسأله‌ای شهری

مهدیه باقری^۱، غلامرضا صدیق اورعی^۲، احمد فرزانه^۳، علی یوسفی^۴

چکیده

لازمه شکل‌گیری جامعه، تعاملات مستمر است و "عیار" سلامت جامعه، تعاملات گرم است. بخش عظیمی از جمعیت جامعه ایران، در شهرها زندگی می‌کنند. اقتضای زندگی شهری، فشردگی جمعیت است و زندگی در شهر، معمولاً داشتن همسایگان متعدد را سبب می‌شود. کم و کیف تعاملات، کیفیت زندگی را متأثر می‌سازد؛ ازین‌رو اندازه و وضعیت تعاملات همسایگی در جامعه ایران، موضوعی قابل‌اعتناست. هدف این نوشتار، توصیف وضع تعاملات اجتماعی همسایگی در ایران است؛ آن‌گونه که جامعه‌شناسان ادراک و گزارش کرده‌اند. تحقیق حاضر به ۳۰ مقاله پژوهشی معتبر که ۲۲ جامعه‌شناس برجسته ایرانی نوشته‌اند، (از مجموعه ۷۱۴ اثر ۱۱۹ جامعه‌شناس) استناد کرده است. روش مورد استفاده، روش «تحلیل محتوای جهت‌دار» است. داده‌های بررسی شده حاکی از وجود مشکل، «فقدان تعاملات همسایگان»، «کمبود و کاهش روابط و تعاملات همسایگان»، «ضعف تعاملات گرم همسایگان»، «تعاملات سرد همسایگان»، «شناخت محدود همسایگان نسبت به هم» و «کم بودن اعتماد همسایگان به یکدیگر» بوده است. هرکدام از

mbagheri1993@gmail.com

۱- دانشجوی دکتری جامعه‌شناسی دانشگاه فردوسی مشهد

sedighourae@um.ac.ir

۲- استادیار گروه علوم اجتماعی دانشگاه فردوسی مشهد (نویسنده مسؤول)

farzanehammad@gmail.com

۳- دکترای جامعه‌شناسی پژوهشگاه حوزه و دانشگاه

yousofi@um.ac.ir

۴- دانشیار گروه علوم اجتماعی دانشگاه فردوسی مشهد

این مشکلات، مشتمل بر مشکلات تعاملی جزئی‌تری است که نشان می‌دهد؛ تعاملات اجتماعی همسایگی در ایران بسیار "کم‌عیار" و بیمار است.

واژه‌های کلیدی

تعامل اجتماعی، تعامل سرد، تعامل گرم، جامعه کم‌عیار، همسایگی.

۱. مقدمه

انسان نیازمند زیست اجتماعی است و اساس زیست اجتماعی، تعامل مستمر با انسان‌های دیگر است. در واقع تعاملات مستمر، عامل شکل‌گیری جامعه است؛ اما قوام و دوام و کارایی تعامل مستمر به تعامل مستمر گرم به دو صورت گرم برابر و گرم نابرابر است. شهرها و به‌خصوص کلان‌شهرها، بخش عظیمی از جمعیت کشور را در خود جای داده‌اند. (۷۴ درصد جمعیت ایران در سال ۱۳۹۵ در شهرها و ۳۵ درصد از جمعیت شهری کل کشور در ۸ کلان شهر ساکن بوده‌اند (مرکز آمار ایران، ۱۳۹۶ و ۱۳۹۷)). بخش قابل توجهی از جمعیت شهری، جمعیت عظیمی از اشخاص هستند که گویی خویشاوندی ندارند و از آن بیشتر، گویی همسایه‌ای نداشته و ندارند تا در مواقع نیاز به مدد آنان بیاید. در واقع مردم با مشکل فقدان یا کمبود «دیگران» قابل تعامل برای پاسخ به بسیاری از نیازهایشان مواجهند. (صدیق اورعی و فرزانه، ۱۳۹۵)^۱ به‌علاوه شواهد بسیاری وجود دارد که نشان می‌دهد اشخاص از اقدام به تعامل اجتماعی، به‌ویژه تعامل اجتماعی (گرم و گرم نابرابر) با یکدیگر مضایقه می‌کنند و همدیگر را از آثار گسترده‌ای که در پی تعاملات است، محروم می‌کنند.

مسئله دیگر، ضعف تعاملات گرم است که جامعه ایران با آن رو به روست. تعامل گرم، عامل استمرار تعاملات و در نتیجه، عامل ایجاد تعلق و همبستگی، اعتماد و تعهد

۱. طبق نتایج پیمایش سنجش سرمایه اجتماعی در ایران (۱۳۹۳)، شاخص بده بستان اجتماعی درباره خویشاوندان و همسایه‌ها، وضعیت بسیار نامناسبی دارد: مردم ایران اظهار داشتند که نسبت به کمک حدود نیمی از خویشاوندان خود، در موضوعات مختلف امیدی دارند. در مورد همسایگان، این عدد در اغلب موارد زیر ۸ درصد است.

اجتماعی و در نتیجه، شرط ایجاد گروه، سازمان، اجتماع و جامعه است. همچنین ایجاد و حفظ توافق اجتماعی و فرهنگ با تعاملات مستمر، میسر است؛ پس ضعف تعاملات گرم، آثار مورد انتظار را به دنبال ندارد و این برای جامعه تهدید جدی است.

همچنین وجود و افزایش تعاملات سرد و وجود تعاملات خشی-آنگاه که تعامل گرم مورد انتظار است- مسأله دیگری است که در جامعه ایران مشهود است، به عبارت دیگر، اشخاص عامل آزار یکدیگرند و برای هم رنج تولید می‌کنند.

نتایج تحقیقات، وجود طیفی از مشکلات تعاملی همسایگی در ایران را نشان می‌دهد. در میان این مشکلات، فقدان تعامل همسایگان با یکدیگر بیش از سایر مسائل، به چشم می‌خورد. نتایج اغلب تحقیقات در این حوزه حاکی از آن است که میانگین نمره حجم روابط همسایگی بسیار کم است (صدیق سروستانی و نیمروزی، ۱۳۹۰)؛ مثلاً در تحقیقی در شهر مشهد در سال ۱۳۸۸ معلوم شد، نزدیک به ۲۵ درصد خانواده‌ها هیچ شناختی از همسایه‌هایشان ندارند. (یوسفی و دیگران، ۱۳۸۸) مضایقه تعامل از همسایگان تا جایی پیش می‌رود که در صورتی که همسایه‌ای پیش‌قدم شود و قصد تعامل داشته باشد. باز هم همسایگان استقبال نمی‌کنند، از تعامل با او فرار می‌کنند و ترجیح می‌دهند که ناشناس بمانند.

علاوه بر ترک تعامل یا مضایقه از آن، ضعف تعاملات گرم و وجود تعاملات سرد در بین همسایگان مشهود است. طبق گزارش طرح سنجش سرمایه اجتماعی در ایران (۱۳۹۳)، حدود ۹۳ درصد از مردم، اظهار داشته‌اند کسی از همسایگان را برای دریافت کمک‌های مالی و غیرمالی و مشورت در مواقع نیاز ندارند. فقدان تعامل میان اغلب همسایگان و سردی بخش قابل توجهی از تعاملات موجود، نتیجه‌ای جز تنهایی در میان این مجاوران فیزیکی نداشته است؛ زیرا تعامل، سنگ بنای جامعه است و تعامل گرم، شرط بقای جامعه؛ اما وقتی از تعامل بگذریم و به آثار مترتب به آن برسیم، قاعدتاً انتظار داریم اوضاع از این نیز وخیم‌تر باشد. در محله، تعاملی نمانده و فقدان تعامل، محله‌ای باقی نگذاشته تا تعلق، تعهد و اعتمادی به وجود بیاید و بتوان انتظار همکاری و مشارکتی

داشت، چه برسد به کمک و مشورت و در درجه بعد گذشت و این‌بار. قریب به سه چهارم از جمعیت جامعه ایران (۷۴ درصد)، در شهرها زندگی می‌کنند. اقتضای زندگی شهری فشردگی جمعیت است و زندگی در شهر، معمولاً داشتن همسایگان متعدد را سبب می‌شود. کم و کیف تعاملات، کیفیت زندگی را متأثر می‌سازد؛ ازین‌رو اندازه و وضعیت تعاملات همسایگی در جامعه ایران، موضوعی قابل‌اعتناست و فراهم آوردن دانش دقیق و جامع درباره‌ی مشکلات تعاملی همسایگی در ایران ضرورت می‌یابد؛ در نتیجه این تحقیق در پی پاسخ به این سؤال است که وضعیت تعاملات اجتماعی همسایگی ایرانی چگونه است؟

۲. چارچوب مفهومی

در ابتدا بسیاری از کنش‌ها که در نظر اول، مشکل از فرایند یک‌سویه‌اند، در واقع متضمن تأثیرات متقابلند. (زیمل، ۱۳۹۲: ۱۵۳) هرگاه کنش اجتماعی، دوسویه باشد، «تعامل اجتماعی»^۱ نامیده می‌شود. [مقایسه شود با (کوزر و روزنبرگ، ۱۳۸۵: ۶۹؛ آگبرن و نیم کوف، ۱۳۵۳: ۲۷؛ روشه، ۱۳۹۱: ۱۳۳)].

درباره مفهوم تعامل، توجه به برخی نکات دارای اهمیت است: «رابطه میان تعداد روابط [تعاملات] مشاهده‌شده و روابط [تعاملات] ممکن» (فیالکوف، ۱۳۸۸: ۸۲) بین کنشگران (اعم از فردی و جمعی) میزان تراکم تعاملات اجتماعی است و «نسبت روابط (تعاملات) دوجانبه موجود بین کنشگران در جامعه، به روابط یک‌جانبه [عمل‌های اجتماعی] بین آن‌ها به عنوان میزان قرینگی روابط منظور شده است. هر قدر میزان قرینگی روابط (تعاملات) در جامعه بالاتر باشد، شرایط عینی برای رعایت و به کارگیری هنجارهای بده بستان در ابعاد اقتصادی، سیاسی، اخلاقی و فرهنگی در جامعه بیشتر می‌شود.» (چلبی، ۱۳۸۶: ۱۴۷) میزان تنوع موضوعات تعامل ممکن است مختلف باشد مثلاً در یک گروه ممکن است صرف تعاملات اقتصادی و منفعتی وجود داشته باشد اما در گروه دیگر مثل خانواده، تعاملات از تنوع موضوعی مثلاً تعاملات اقتصادی و عاطفی

و ... برخوردار باشد. همچنین تعدد تعاملات (در یک موضوع مشخص)، و بین متعاملین در بین گروه‌های مختلف می‌تواند مختلف باشد.

تعامل اجتماعی از نظر احساس عاطفی همراه آن، یا «خنثی» است یا «عاطفی». تعامل خنثی، بدون هیجان و تعامل عاطفی، دارای هیجان است. تعامل عاطفی ممکن است «سرد» یا «گرم» باشد. تعامل «سرد» دارای بار عاطفی منفی یعنی همراه با هیجان ناخوشایند و زجرآور است و تعامل «گرم» دارای بار عاطفی مثبت یعنی با هیجان خوشایند همراه است. همچنین هر تعامل به درستی به مثابه نوعی «مبادله» نگریسته می‌شود که در آن چیزی بده - بستان می‌شود. بده بستان بین طرفین تعامل می‌تواند «متقارن و برابر» باشد یا «نامتقارن و نابرابر». از ترکیب تعامل‌های خنثی، سرد و گرم با تعامل‌های برابر و نابرابر، تعامل خنثی برابر و نابرابر، تعامل گرم برابر و نابرابر و تعامل سرد برابر و نابرابر قابل تصور است. (صدیق اورعی و دیگران، ۱۳۹۸: ۳۴-۳۷)

علاوه بر این کنش‌های متقابل اجتماعی [تعاملات اجتماعی] از حیث جهت بر دو نوع است: ۱. کنش‌های متقابل پیوسته ۲. کنش‌های متقابل گسسته. تعاملات پیوسته «کنش‌های متقابلی‌اند که در جهت یگانه‌ای صورت می‌گیرند. همکاری^۱ و ماندگاری از جمله صورت‌های کنش پیوسته‌اند» اما تعاملات گسسته، «کنش‌های متقابلی‌اند که جهت یگانه‌ای ندارند. ستیزه^۲، سبقت جویی و رقابت^۳ از جمله صورت‌های کنش گسسته‌اند.» (آگبرن و نیم کوف، ۱۳۵۳: ۲۸)

تعامل‌های بین اشخاص، در بستر رابطه اجتماعی^۴ بین آن دو صورت می‌گیرد؛ در واقع رابطه، ظرفی است که تعامل در آن رخ می‌دهد و «انواع متنوعی از تعامل باید درون روابط اتفاق بیفتد.» (هورتولانوس و دیگران، ۱۳۹۴: ۴۰) و «مجموعه‌ای از روابط اجتماعی، میان کنشگران اجتماعی» اصطلاحاً شبکه اجتماعی^۵ نامیده می‌شود. (وسرمن و فاوست، ۱۹۹۴: ۱۷) در جای دیگر آمده: «شبکه اجتماعی مجموعه‌ای از اشخاص یا

1. Cooperation
2. Conflict
3. Competition
4. Social relation
5. Social network

گروه‌هایی از اشخاص - «کنشگران» (در اصطلاح میدان) - با برخی از الگوهای تعاملات یا روابط میان آنان است. «(هاتالا، ۲۰۰۶: ۵۰). آنچه بازگوکننده میزان و نحوه تعاملات اجتماعی است، سرمایه اجتماعی^۱ نام دارد. به قول بوردیو، منظور از سرمایه اجتماعی «تراکم منابع واقعی یا بالقوه‌ای است که حاصل از شبکه‌ای بادوام از روابط کمابیش نهادینه‌شده آشنایی و شناخت متقابل است.» (بوردیو، ۱۳۸۹: ۱۴۷) همچنین پاتنام سرمایه اجتماعی را این‌گونه تعریف می‌کند: «سرمایه اجتماعی به روابط میان اشخاص - شبکه‌های اجتماعی و هنجارهای متقابل و قابل اعتماد بودن که از آن‌ها ناشی می‌شود، اشاره دارد. (پاتنام، ۲۰۰۰: ۱۹)

اگر تعاملات اجتماعی و شکل و اندازه آن، مورد توافق طرفین تعامل باشد، تعامل ادامه می‌یابد و اگر نباشد، موجب ترک یا نزاع می‌شود؛ پس رضایت از تعامل، نتیجه توافق بر تعامل است و ترک تعامل یا نزاع، نتیجه نارضایی و عدم توافق. اگر طرفین بر وجود تعامل بین خود و نوع تعامل و انتظارات متقابل و چند و چون و زمان و مکان عمل توافق داشته باشند، آن تعامل مورد توافق و قابل دوام است. قاعده‌ای که همه نکات یادشده را بیان می‌کند و مورد توافق طرفین است، هنجار^۲ نامیده می‌شود؛ هنجار شیوه و قاعده عمل است. (صدیق اورعی و دیگران، ۱۳۹۸: ۶۸)

حال اگر شخص مستمراً طبق توافق عمل کند، تعامل برای دیگری، قابل پیش‌بینی و اطمینان‌آور می‌شود؛ در این صورت، دیگران او را شخصی متعهد می‌یابند؛ پس اشخاص بر اساس تعهد مستمر یک شخص یا یک سازمان در گذشته تا حال، به تعهد^۳ او در آینده اطمینان می‌کنند. این اطمینان به تعهد شخص یا سازمان در آینده، اعتماد^۴ نام دارد. (صدیق اورعی، ۱۳۹۵)

تعاملات اجتماعی آثاری دارد؛ همبستگی از جمله آثار تعامل گرم است. همبستگی در بین اشخاص، نتیجه تعاملات گرم و روابط دوستانه بین کنشگران است. هنگامی که

-
1. Social capital
 2. Social norm
 3. Social commitment
 4. Social trust

تعاملات گرم در بین اشخاص یک گروه افزایش می‌یابد، همبستگی نیز در بین آن‌ها افزایش می‌یابد؛ بنابراین تعامل‌های گرم، نسبت به همبستگی، تقدم زمانی دارند و هنگامی که فراوانی مناسبی داشته باشند، در اشخاص، عاطفه مثبت ایجاد کرده و موجب همبستگی می‌شوند. (صدیق اورعی و دیگران، ۱۳۹۸: ۵۰) گروه، سازمان اجتماعی، اجتماع و جامعه، نیازمند تعاملات مستمر و همبستگی‌اند. گروه اجتماعی، اشخاص دارای تعاملات مستمر همراه با همبستگی است. باید توجه داشت که؛ اعضای گروه برای سازگاری و ایجاد تعادل، با یکدیگر همکاری می‌کنند. همکاری^۱ «یکی بودن مساعی دو یا چند شخص برای حصول هدفی معین» (آگبرن و نیم کوف، ۱۳۵۳: ۶۱) است.

«گروه اجتماعی دارای سرزمین» اجتماع^۲ است. (صدیق اورعی و دیگران، ۱۳۹۸: ۲۷۸) یکی از مصادیق اجتماع، محله است؛ زیرا اشخاص در یک محله با یکدیگر تعامل نسبتاً مستمر دارند و احساس با هم بودن و یکی بودن می‌کنند. همچنین در سرزمین معینی مستقرند. محله چنین توصیف شده است: «نواحی جغرافیایی محدودی که در آن افراد و خانواده‌ها یکدیگر را می‌شناسند و با هم مناسبات نزدیک دارند.» (چیتامبار، ۱۳۸۵: ۱۵۳) «مشاهده کنش متقابل در حوزه‌ای مانند یک محله دشوارتر است؛ اما در آنجا هم کنش متقابل وجود دارد. پیاده‌روها، مغازه‌ها و گوشه‌های خیابان‌ها، زمین‌های بازی و صدها محل دیگر، موقعیت‌های مناسبی برای کنش متقابل مردم با یکدیگرند. همه با یکدیگر در یک زمان کنش متقابل ندارند؛ اما اگر با دقت مشاهده کنیم الگویی از کنش‌های متقابل میان مردم در درون اجتماع محلی را مشاهده می‌کنیم که شدیدتر و پیوسته‌تر از کنش‌های متقابل میان آن‌ها به افراد خارج از اجتماع محلی است.» (شارون، ۱۳۸۶: ۷۸) در محله، روابط همسایگی وجود دارد. همسایگی، هم‌نشینی اشخاص با یکدیگر است و چنین تعریف شده است: «تعدادی خانوار مجاور با گستره‌ای از روابط اجتماعی و الگوهای رفتاری نسبتاً مشترک». (صدیق سروستانی و نیمروزی، ۱۳۸۹: ۱۸۶) در واقع اگر دو خانواده با هم همسایه باشند، صرفاً همسایگی وجود دارد. و به این واحد

1. Cooperation
2. Community

اجتماعی، محله اطلاق نمی‌شود؛ در واقع محله یک نوع اجتماع است. باید توجه داشت که تعامل، آثار مهمی برای هر گروه و جامعه‌ای دارد. دو اثر بسیار مهم و کلان تعاملات انسانی، ساختار اجتماعی و فرهنگ است. معانی مشترک بین افراد، «فرهنگ» نام دارد. فرهنگ با توافق جمعی میان اعضای یک جامعه به وجود می‌آید؛ بنابراین فرهنگ و عناصر آن -باور، ارزش، نماد و هنجار- نیز اثر تعاملات مستمر اشخاص در یک جامعه است. اثر دیگر عمل و تعامل، ایجاد و یا تغییر ساختارهای اجتماعی است. ساختارهایی که جهت‌دهنده کنش‌های اعضای جامعه است، اثر کنش‌های قبلی اعضای آن جامعه است و البته بر عمل‌های بعدی آن‌ها نیز تأثیر می‌گذارد و این واقعیت در سطح محله و همسایگی نیز جاری است.

۳. پیشینه تحقیق

تحقیقات منتشرشده در حوزه روابط و تعاملات همسایگی، در چند دسته قابل طبقه‌بندی‌اند. دسته نخست از تحقیقات، به توصیف و طبقه‌بندی روابط همسایگی از منظر انسان‌شناختی (منادی، ۱۳۸۸)، یا جامعه‌شناختی (نوابخش و رفیعی فر، ۱۳۸۷؛ صدیق سروستانی و نیمروزی، ۱۳۹۲)، بررسی الگوهای کالبدی همسایگی (عباسی هرفته و صادقیان، ۱۳۹۸) و نهایتاً انسجام در شبکه‌های همسایگی (یوسفی، نوغانی، و حجازی، ۱۳۸۸) پرداخته‌اند. پژوهش‌های دیگری به عوامل مؤثر بر روابط و تعاملات همسایگی نظر داشته و به واری‌های مؤثر بر میزان روابط (رازقی، شارع پور، و ابراهیمی گتایی، ۱۳۹۵)، ارتقا و افزایش تعاملات (قنبران و جعفری، ۱۳۹۳؛ حسن پور، امیدواری، و صدر ارحامی، ۱۳۹۷؛ مهرابی‌ان و عبداللهی، ۱۳۹۸)، نقصان روابط (بخشی، اکبری قمصری، و تولایی، ۱۳۹۹) و در نهایت عوامل مؤثر شکل‌گیری سرمایه اجتماعی (ربانی خوراسگانی، صدیق اورعی، و خنده‌رو، ۱۳۸۸) پرداخته‌اند. دسته‌ای از تحقیقات انجام‌شده در حوزه همسایگی، برای تبیین تعاملات همسایگی، توجه خود را بر متغیرهای مورفولوژیک مثل طبیعت (بهزادپور، گرجی مهلبانی و سهیلی، ۱۳۹۹) و محیط

کالبدی (امامی، هاشم نژاد شیرازی، طاهایی، و شالی امینی، ۱۳۹۳) متمرکز ساخته‌اند. پژوهش‌هایی نیز مربوط به بررسی پیامدهای روابط و تعاملات همسایگی بوده‌اند که خود به چند دسته قابل تقسیمند: پیامدهای روابط و تعاملات همسایگی برای احساس نشاط اجتماعی (خطیبی، ۱۳۹۶)، دل‌بستگی به مکان (سالاری پور، رضانی، زالی، و صفای کارپور، ۱۳۹۷)، احساس امنیت (صدیق سروستانی و نیمروزی، ۱۳۸۹؛ رستگار خالد، سلمانی بیدگلی، و آران دشتی، ۱۳۹۳)، ایجاد جرم (عباسی اسفنجیر و رحمانی فیروزجاه، ۱۳۸۳) و نهایتاً پیامدهای سرمایه اجتماعی همسایگی به طور کلی (رستگار خالد، آران دشتی آرانی، و صادقی آرانی، ۱۳۹۲). برخی از پژوهش‌ها نیز به ارائه راه حل برای ارتقای تعاملات همسایگی با توسل به متغیرهای مورفولوژیک مثل فضاهای مشاع (نیک‌بخت، قبران، و خاکی، ۱۳۹۴) یا ارائه راهکارهای افزایش تعاملات همسایگی (مهرابیان و عبداللهی، ۱۳۹۸) اقدام کرده‌اند. همچنین در میان تحقیقات صورت گرفته، یک گزارش نیز مشاهده شد که درصدد آزمون تجربی یک نظریه در تبیین تعاملات همسایگی (پارسامهر و بیرجندی چهارطاقی، ۱۳۹۸) برآمده بود؛ بدین ترتیب می‌توان گفت از میان تحقیقات انجام شده در حوزه همسایگی، دسته‌ای به دنبال توصیف یا طبقه‌بندی بوده و برخی دیگر در پی تبیین بوده‌اند. همچنین برخی از پژوهش‌ها، به بررسی پیامدها و برخی نیز به ارائه راه حل پرداخته‌اند.

از حیث روش و تکنیک‌های مورد استفاده در تحقیقات مورد بررسی، نکته قابل توجه، غلبه شدید تحقیقات قیاسی و آزمون‌ی و طرح‌های پیمایشی است. از میان تحقیقاتی که چنین نیستند یک تحقیق (منادی، ۱۳۸۸) رویکرد انسان‌شناختی دارد که کیفی بودن روش آن مورد انتظار است و دو پژوهش دیگر (اسمعیلی، دشتی و دهدشت، ۱۳۹۷؛ سالاری پور، رضانی، زالی، و صفای کارپور، ۱۳۹۷) به وجه خاصی از تعاملات همسایگی (مقایسه میان زنان شاغل و خانه‌دار در تجربه بی‌اعتنایی در روابط همسایگی و بررسی تأثیر تعاملات در دل‌بستگی به مکان) محدودند؛ اما پژوهش حاضر به منظور دستیابی به مشکلات تعاملی در شبکه روابط همسایگی در ایران به سراغ گزارش‌های

تحقیقاتی موجود از محققان مختلف و در سطوح تحلیل و با قلمروهای تحقیق متفاوت رفته است تا با تحلیل انواع و اقسام این تحقیقات، مسأله‌شدگی این روابط و تعاملات را نشان دهد و طبقه‌بندی منظمی از انواع این مشکلات تعاملی ارائه دهد.

۴. روش تحقیق

روش تحقیق حاضر، «تحلیل محتوای کیفی جهت‌دار»^۱ است. از نظر مایرینگ، تحلیل محتوای کیفی یک نوع «تحلیل متن بسیار نظام‌مند و کنترل‌شده و گام‌به‌گام» است. (مایرینگ، ۲۰۱۴: ۱۱۶) این روش «نوعی روش شناسی تحقیق در خدمت تفسیر محتوایی داده‌ها، از طریق فرایندهای طبقه‌بندی نظام‌مند، کدگذاری و مضمون‌سازی یا طراحی الگوهای شناخته‌شده» است. (شی‌یه و شانون، ۲۰۰۵: ۱۲۷۸) تحلیل محتوای کیفی می‌تواند نظام‌مند و دارای روایی و پایایی باشد. (کرپیندورف، ۲۰۰۴: ۱۰) در واقع عینیت نتایج، با فرایند کدگذاری نظام‌مند تضمین می‌شود. (زانگ، ۲۰۰۶)

تحلیل محتوای کیفی جهت‌دار، روش مقایسه‌ای متکی بر نظریه است و کاربرد این روش زمانی است که نظریه یا تحقیقات پیشین درباره‌ی پدیده‌ی خاص، نیازمند توصیف و تحلیل بیشتری است. (ایمان و نوشادی، ۱۳۹۰) در واقع «یکی از کارکردهای روش مذکور حمایت و تأیید نظریه موجود و [یا ادعای تحقیق] است.» (شی‌یه و شانون، ۲۰۰۵: ۱۲۸۳) هدف پژوهش حاضری، توصیف تعاملات اجتماعی همسایگی در ایران است؛ آن‌گونه که جامعه‌شناسان ادراک و گزارش کرده‌اند. در واقع غرض این است که نشان داده شود که اگر به تحقیقات تجربی جامعه‌شناسان ایرانی از این «حیث» توجه شود معلوم می‌گردد که مسأله‌ی پژوهش حاضر، به شکل‌ها و با تعابیر مختلف نزد اجتماع علمی، مسأله‌ی تلقی شده است؛ پس باید شواهد موجود در آثار آنان، مؤیدی برای ادعای تحقیق حاضر باشد. بدین منظور ابتدا ۱۱۹ جامعه‌شناس برجسته‌ی ایرانی از مشهورترین و صاحب‌نام‌ترین اعضای هیأت علمی معتبرترین دانشگاه‌ها و پژوهشگاه‌ها و اعضای هیأت تحریریه

مشهورترین نشریات علمی پژوهشی جامعه‌شناسی گزینش شد. در گام بعد با مراجعه به پایگاه‌های اینترنتی سازمان محل خدمت آن‌ها، نورمگز، پورتال جامع علوم انسانی، SID و جویشگر علمی فارسی (علم‌نت)، ۷۱۴ اثر (مقاله علمی-پژوهشی، همایشی، کتاب و پایان‌نامه) مرتبط با موضوع وضعیت تعاملات اجتماعی در ایران یافت شد؛ اما به دلیل اعتبار علمی مقالات علمی-پژوهشی نسبت به سایر آثار علمی، تجربی بودن اغلب آن‌ها، عدم دسترسی نسبتاً کامل به پایان‌نامه‌ها و متن کامل مقالات همایشی و حجم بالای کتاب‌ها تنها مقالات علمی-پژوهشی مورد بررسی و تحلیل قرار گرفت. بعد از اعمال معیار یاد شده، تعداد آثار مورد بررسی از ۷۱۴ اثر به ۴۰۷ مقاله کاهش یافت. لازم است گفته شود که: تنها مقالات تجربی، مطالعه و بررسی شدند و مقالات مرتبطی که صرفاً تحلیلی و بدون داده تجربی بودند- که تعداد آن‌ها ۲۲ مقاله بود- مورد بررسی قرار نگرفتند.

یافته‌های این تحقیق، از ۳۰ مقاله مرتبط با موضوع (از مجموع ۴۰۷ مقاله)، استخراج شده و مورد تحلیل قرار گرفته است. گفتنی است که عمده ۳۰ مقاله، مربوط به سال‌های ۱۳۹۰ به بعدند؛ به طوری که ۶۴ درصد آن‌ها در این بازه زمانی قرار دارند. همچنین ۳۰ مقاله، مربوط به ۲۲ جامعه‌شناس برجسته ایرانی است.

مقالات منتخب به طور کامل مورد مطالعه دقیق و چند باره قرار گرفتند. جملات مرتبط هر مقاله، به عنوان واحدهای معنا (واحدهای ثبت^۱) استخراج و یادداشت‌برداری شدند. در حین استخراج جملات، یادداشت‌های نظری نوشته و سپس گزاره‌های تمام مقالات در جدولی استخراج شدند و به هر جمله، مفهومی اختصاص یافت. در مرحله بعد با استفاده از نرم‌افزار MaxQDA مراحل کدگذاری و مفهوم‌سازی آغاز گردید و با قرار دادن کدها و مفاهیم مشابه در یک مقوله^۲، مفاهیم به ۱۰ مقوله اصلی کاهش یافت و در گام آخر و با انتزاع بالاتر، ۶ مقوله نهایی یا تم نتیجه شد. در ادامه یافته‌های تحقیق ارائه می‌شود.

۵. یافته‌های تحقیق

در جدول زیر مفاهیم و مقولات اصلی و نهایی برای مشکلات تعاملی همسایگی ارائه

1. Recording unit
2. Category

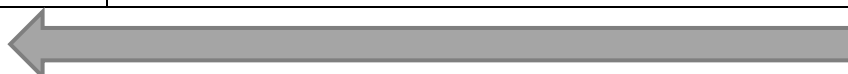
شده است:

جدول ۱- مقوله‌بندی مشکلات تعاملی همسایگی		
مقوله نهایی	مقوله اصلی	مفاهیم (ویرایش شده)
فقدان تعاملات همسایگان	---	عدم شکل‌گیری تعاملات بین همسایگان، رابطه نداشتن با هم‌محله‌ای‌ها، بی‌تفاوتی همسایگان نسبت به هم، زیاد بودن انزوای اجتماعی در بعد روابط محلی و همسایگی، نبود موضوع مشترک تعامل بین همسایگان، نبود موضوع مشترک تعامل در بین همسایگان جز منافع عمومی، غیر محلی بودن روابط شخصی افراد، غیر محلی بودن اشخاص صمیمی و حامی افراد، فقدان فرصت‌های نهادینه برای برقراری ارتباط اجتماعی در محله، عضویت نداشتن انجمن‌های محله، کاهش و نبود نهادهای محلی زمینه‌ساز تعاملات محلی
کمبود و کاهش روابط و تعاملات همسایگان	---	کم بودن روابط همسایگی، کم بودن تعامل با همسایه‌ها، کم بودن تعامل در محله، کاهش روابط افراد با همسایگان، تضعیف روابط همسایگی، ضعیف شدن اجتماع محلی، داشتن حداقل تعامل با همسایگان، محدود بودن تعاملات همسایگان در حد سلام، وجود مشکل در گسترش روابط همسایگی و محلی، ترجیح همسایگان به داشتن دایره روابط محدود، کم بودن اندازه شبکه همسایگان زنان شاغل، متوسط و کم بودن میزان ارتباط زنان شاغل با همسایگان، کم بودن روابط همسایگی زنان سرپرست خانوار شاغل
	کم بودن انواع تعاملات همسایگی	کم بودن فراوانی تماس‌های رودررو با همسایگان، کم بودن فراوانی تماس‌های تلفنی همسایگان، کم بودن میانگین کنش‌های فایده‌مند در قبال همسایه، کم بودن میانگین کنش‌های عادی در قبال همسایه، کم بودن میانگین کنش‌های جمعی در قبال همسایه، کم بودن میانگین کنش‌های فردی در قبال همسایه، کم بودن مشورت با همسایگان، کم بودن مشورت در تصمیم‌ها با همسایگان، کم بودن بده‌بستان وسایل زندگی به همسایگان
	کم بودن مشارکت همسایگان	کم بودن مشارکت در محله، کم بودن همکاری با شوراهای محلی، کم بودن همکاری با شوراهای محلی، عدم مشارکت همسایگان در آپارتمان‌ها، همکاری حداقلی در بین همسایگان، همکاری بدون هماهنگی در بین همسایگان، کم بودن مشارکت غیررسمی در محله، کم و متوسط بودن مشارکت غیررسمی جدید در محله، کم بودن مشارکت رسمی در محله، کم بودن بعد عینی مشارکت در محله، متوسط بودن بعد ذهنی مشارکت در محله، رضایت‌بخش نبودن مشارکت در محله
ادامه جدول ۱- مقوله‌بندی مشکلات تعاملی همسایگی		
مقوله	مقوله اصلی	مفاهیم (ویرایش شده)

نهایی		
<p>کمبود و کاهش روابط و تعاملات همسایگان</p>	<p>عوامل همکاری نکردن در همسایگی</p>	<p>کنترل مرکزی ضعیف: (ضعف ضمانت اجرایی، بی‌سازمانی، عدم پیگیری مدیریت)؛ فاصله تعاملی: (عدم تماس چهره به چهره همسایگان با هم، تعاملات اجتماعی سرد، عدم اعتماد به همسایگان، واگرایی ارزشی)؛ خصایص شخصی همکاری‌گریز: (بی‌تفاوتی همسایگان نسبت به مشکلات، منفعت‌طلبی همسایگان، پشت گوش انداختن پرداخت شارژ در بین همسایگان، بدقولی و بی‌نظمی در رفتارهای روزمره همسایگان، ترجیح همسایگان به داشتن دایره محدود ارتباطات)؛ ساختار محدودکننده: (گرفتاری‌های روزمره، برگزار نشدن مراسم مهمانی در بین همسایگان، نبود موضوع مشترک تعامل در بین همسایگان، منابع مالی ناکافی، محدودیت‌های زمانی، امکانات فیزیکی مجتمع‌ها، تداخل حریم خصوصی، ضعف معماری ساختمان‌ها)؛ ذهنیت منفی: (باور نداشتن به اثربخشی کنش جمعی، عدم باور به همکاری با دیگران)</p>
	<p>---</p>	<p>کم بودن قرینگی در روابط قوی همسایگی، کم بودن تراکم در روابط قوی همسایگی، متوسط بودن قرینگی سلام و علیک همسایگان، متوسط بودن تراکم سلام و علیک همسایگان، متوسط بودن میزان عیادت از همسایهٔ مریض</p>
<p>ضعف تعاملات گرم همسایگان</p>	<p>کمک کردن محدود</p>	<p>کم بودن کمک همسایگان زمان نیاز به کمک، کم بودن همسایگان برای کمک در مواقع اضطراری، نسیپردن فرزند خردسال به همسایگان در مواقع ضروری</p>
	<p>هم‌صحبتی کم</p>	<p>کم بودن درد و دل با همسایگان دربارهٔ مشکلات زندگی، کم بودن قرینگی در میان گذاشتن مشکلات در میان همسایگان، کم بودن تراکم در میان گذاشتن مشکلات در میان همسایگان، کم بودن تعداد همسایگان برای هم‌صحبتی، لذت کم از هم‌صحبتی با همسایگان</p>
	<p>حمایت کم</p>	<p>کم بودن دریافت حمایت از همسایگان، مراجعه کم به همسایگان برای دریافت حمایت عاطفی، حمایت کم همسایگان از سالمندان</p>
	<p>رفت و آمد کم</p>	<p>کم بودن رفت و آمد با همسایگان، کم بودن رفت و آمد خانوادگی با همسایگان، عدم رفت و آمد خانوادگی با همسایگان، کم بودن قرینگی رفت و آمد خانوادگی همسایگان، کم بودن تراکم رفت و آمد خانوادگی همسایگان، کم بودن قرینگی رفت و آمد فرزندان همسایگان، کم بودن تراکم رفت و آمد فرزندان همسایگان، دعوت نکردن همسایگان به خانه، دعوت نشدن به خانهٔ همسایگان، برگزار نشدن مراسم مهمانی در بین همسایگان</p>
<p>قرض ندادن و قرض نگرفتن</p>	<p>زیاد بودن قرض ندادن پول از همسایگان، زیاد بودن قرض نگرفتن پول از همسایگان، کم بودن قرض دادن پول به همسایگان، کم بودن قرض گرفتن وسایل منزل از همسایگان، کم بودن قرض دادن وسایل منزل به همسایگان</p>	

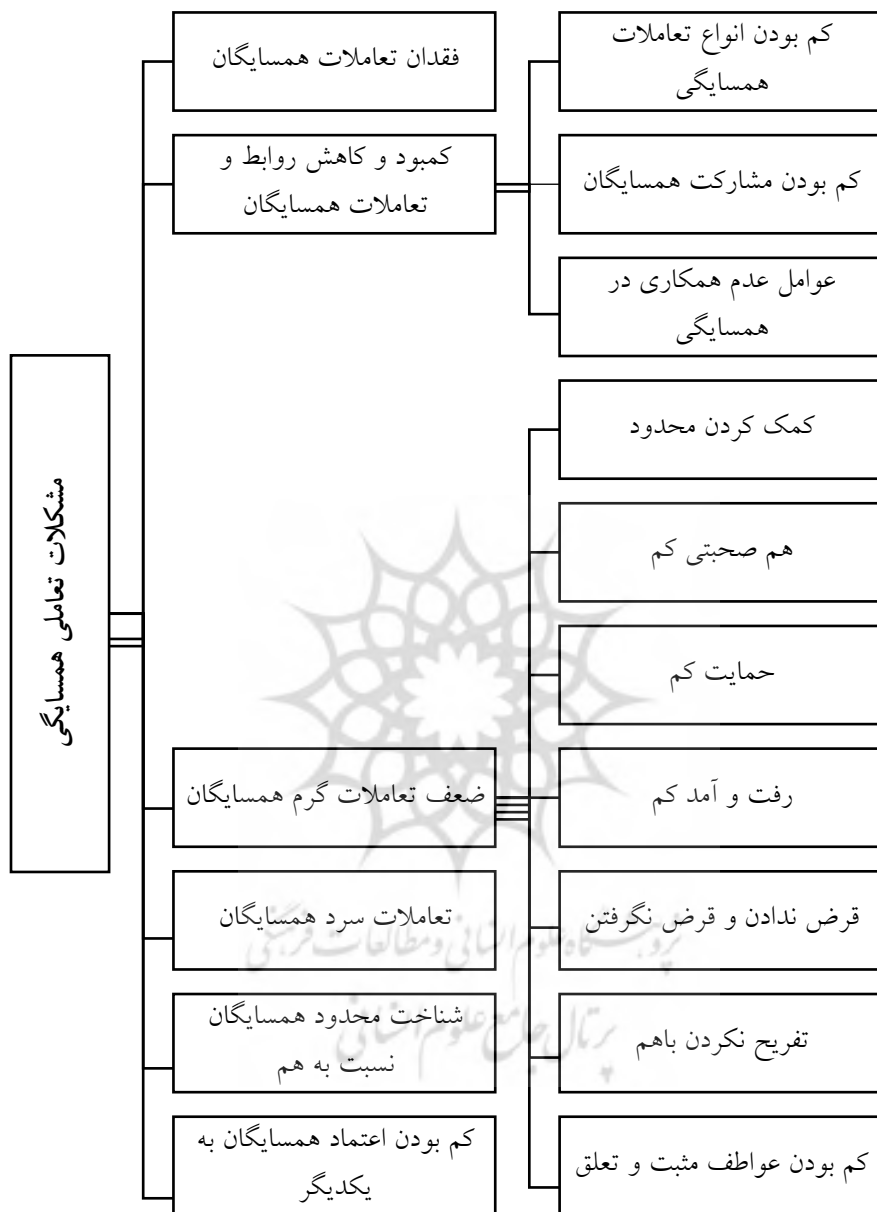
	تفریح نکردن با هم	نرفتن به مکان‌های تفریحی با همسایگان، کم سفر رفتن با همسایگان، کم پارک رفتن با همسایگان
	کم بودن عواطف مثبت و تعلق	کم بودن روابط شخصی صمیمانه در محله، دوری عاطفی بین همسایگان، کم بودن همبستگی در شبکه‌های همسایگی، ضعیف بودن علائق ارتباطی (دوستی و علاقه) در شبکه همسایگان، عدم وابستگی به همسایگان/ عدم تعلق به همسایگان، کم بودن میانگین واکنش‌های صمیمانه در قبال همسایه، متوسط بودن میانگین کنش‌های عاطفی در قبال همسایه، کم بودن تعلق محله‌ای، زیاد نبودن تعلق محله‌ای، متوسط بودن تعلق محله‌ای، کاهش دل‌بستگی افراد به محله

ادامه جدول ۱- مقوله‌بندی مشکلات تعاملی همسایگی	
مقوله نهایی	مفاهیم (ویرایش شده)
تعاملات سرد همسایگان	روابط قهرآمیز و سرد بین همسایگان، منفعت‌طلبی همسایگان، افزایش منفعت‌طلبی و فردگرایی در بین همسایگان، بدقولی و بی‌نظمی در رفتارهای روزمره همسایگان، متوسط بودن تعهد (هنجارشکنی) به افراد محله، ضعیف بودن تعهدات محلی (هنجارشکنی) (تلاش برای رفع مشکل) در شبکه همسایگی، زیاد بودن جرائم در آپارتمان‌ها، پشت گوش انداختن پرداخت شارژ در بین همسایگان
شناخت محدود همسایگان نسبت به هم	شناخت محدود از همسایگان، شناخت محدود از همسایگان، غریبگی بین همسایگان، متوسط بودن تراکم آشنایی همسایگان، متوسط بودن قرینگی آشنایی همسایگان، میل به ناشناخته بودن بین همسایگان
کم بودن اعتماد همسایگان به یکدیگر	کم بودن اعتماد به همسایگان، کم بودن میزان اعتماد به هم‌محله‌ای‌ها، عدم اعتماد به همسایگان، کم بودن اعتماد به کسبه محل، نگرانی از فرستادن کودکان به خانه همسایگان
	ضعیف بودن انسجام شبکه همسایگی در بعد پیوندهای قوی، کم بودن احساس مسئولیت به محله، ضعیف بودن انسجام ارزشی شبکه‌های همسایگی، متوسط بودن انسجام شبکه همسایگی در بعد پیوندهای ضعیف، ضعف هویت محله‌ای



مقولات نهایی

مقولات اصلی



نمودار ۱- مشکلات تعاملی همسایگی

۵.۱. فقدان تعاملات همسایگان

مقوله اصلی فقدان تعاملات همسایگان، از مؤلفه‌های زیر تشکیل شده است:

«عدم شکل‌گیری تعاملات بین همسایگان، عدم رابطه با هم‌محلّه‌ای‌ها، بی‌تفاوتی همسایگان نسبت به هم، زیاد بودن انزوا اجتماعی در بعد روابط محلی و همسایگی، نبود موضوع مشترک تعامل بین همسایگان، نبود موضوع مشترک تعامل در بین همسایگان جز منافع عمومی، غیرمحلی بودن روابط شخصی افراد، غیر محلی بودن اشخاص صمیمی و حامی افراد، فقدان فرصت‌های نهادینه برای برقراری ارتباط اجتماعی در محلّه، عدم عضویت در انجمن‌های محلّه، کاهش و نبود نهادهای محلی زمینه‌ساز تعاملات محلی» در ادامه، برخی از شواهد مربوط به این مقوله، گزارش شده است:

اصغری‌پور و صادقی (۱۳۹۳: ۲۳) گزارش کرده‌اند که:

«مشغله روزمره همسایگان باعث شده است آن‌ها حتی یکدیگر را در طول هفته و حتی ماه نبینند. برخی ساکنان نیز یکدیگر را نمی‌شناختند و نمی‌دانستند که آیا چنین کسی جزء ساکنان است.»

همچنین ساروخانی و دیگران (۱۳۹۶: ۴) گزارش کرده‌اند که:

«در شهر تهران بیش از ۵۰ درصد افراد هم‌محلّه... بدون ارتباطند و ابراز می‌کنند که روابطشان با اعضای خانواده در سال‌های اخیر کمتر شده است.» باستانی (۱۳۸۷: ۷۱) نوشته است:

«نتایج تحقیق نشان می‌دهد که روابط شخصی در میان ساکنان محلات مورد بررسی، غیر محلی شده است. ... تنها ۱۷ درصد از افراد صمیمی و حمایت‌کننده پاسخگویان در محلّه آنان زندگی می‌کنند.»

نهایتاً طبق گزارش صدیق سروستانی و نیمروزی (۱۳۸۹: ۲۱۳):

«۸۶ درصد پاسخگویان در انجمن‌های محلّه عضویت ندارند.»

۵.۲. کمبود و کاهش روابط و تعاملات همسایگان

مقوله اصلی کمبود و کاهش روابط و تعاملات همسایگان، حاصلی انتزاعی موارد زیر است:

«کم بودن روابط همسایگی، کم بودن تعامل با همسایه‌ها، کم بودن تعامل در محلّه، کاهش روابط افراد با همسایگان، تضعیف روابط همسایگی، ضعیف شدن اجتماع محلی،

داشتن حداقل تعامل با همسایگان، محدود بودن تعاملات همسایگان در حد سلام، وجود مشکل در گسترش روابط همسایگی و محلی، ترجیح همسایگان به داشتن دایره محدود روابط، کم بودن اندازه شبکه همسایگان زنان شاغل، متوسط و کم بودن میزان ارتباط زنان شاغل با همسایگان و کم بودن روابط همسایگی زنان سرپرست خانوار شاغل»

در ادامه برخی از شواهد مرتبط با این مقوله، از مقالات مورد بررسی ارائه شده است: در مقاله شارع پور و دیگران (۱۳۹۶: ۵۲) می‌خوانیم:

«بخشی (۱۳۹۰) در پژوهش خود به بررسی عوامل مؤثر بر نقصان روابط همسایگی می‌پردازد. این پژوهش ضمن سنجش میزان روابط همسایگی در ۹ محله تهران و تأیید فرض پایین بودن روابط همسایگی به بررسی نقصان این روابط می‌پردازد.»

صدیق سروستانی و نیمروزی (۱۳۸۹: ۲۱۱) گزارش کرده‌اند که:

«میانگین نمره روابط همسایه در بازه ۰ تا ۲ مقدار ۰/۶۷ (یعنی در حد کم و محدود) است... و ۷۴ درصد پاسخگویان حداقل ارتباط (سلام و علیک داشتن) را با هم دارند.»
چلبی و امیرکافی (۱۳۸۳: ۱۵) می‌نویسند:

«درباره روابط محلی (روابط همسایگی و روابط معاملاتی محل) یافته‌ها نشان می‌دهند میانگین شاخص مذکور معادل ۳۱ است که بر مبنای مقیاس صفر تا صد کمتر از حد متوسط ارزیابی می‌شود.»

غفاری و اونق (۱۳۸۵: ۱۷۹) گزارش کرده‌اند که:

«۶۰/۶ درصد افراد تعدد ارتباطات کمی با هم‌محلی‌های خود داشتند.»

موسوی و صفری (۱۳۹۵: ۵۰) نیز بیان کرده‌اند:

«میانگین متغیرهای احساس تعلق محله‌ای و مشارکت و تعامل در محله، کمتر از میانگین بوده و از وضعیت مطلوبی برخوردار نیست.»

باستانی و نیکزاد (۱۳۹۳: ۱۹۶) نوشته‌اند که:

«پژوهش‌هایی درباره شهر تهران مانند پژوهش فیروزآبادی (۱۳۸۷) نشان‌دهنده کاهش روابط افراد با همسایگان (روابط همسایگی) و در سطح محله است. در واقع

همسایگی‌ها، برخلاف سایر مشارکت‌ها، فاقد فرصت‌های نهادینه برای برقراری ارتباط اجتماعی‌اند و نهادهای محلی زمینه‌ساز تعاملات محلی نیز رو به کاهش و در بسیاری از موارد غایبند.»

۵.۲.۱. کم بودن انواع تعاملات همسایگی

این مقوله دربردارنده دسته‌های فرعی زیر است:

«کم بودن فراوانی تماس‌های رودررو با همسایگان، کم بودن فراوانی تماس‌های تلفنی همسایگان، کم بودن میانگین کنش‌های فایده‌مند در قبال همسایه، کم بودن میانگین کنش‌های عادی در قبال همسایه، کم بودن میانگین کنش‌های جمعی در قبال همسایه، کم بودن میانگین کنش‌های فردی در قبال همسایه، کم بودن روابط معاملاتی محلی، کم بودن مشورت با همسایگان، کم بودن مشورت در تصمیم‌ها با همسایگان و کم بودن بده‌بستان وسایل زندگی به همسایگان»

برخی از شواهدی که معانی فوق، از آن‌ها استخراج شده‌اند در ادامه عرضه شده‌اند:
باستانی (۱۳۸۷: ۶۷) نوشته است:

«بر اساس نتایج به دست آمده، فراوانی تماس‌های رودرروی پاسخگویان، در یک دوره زمانی سه ماهه بین ۸/۲۱ تا ۹۰ (میانگین = ۳۶/۹۲) و فراوانی تماس‌های تلفنی بین ۰ تا ۷۵ (میانگین = ۱۸/۵۲) در نوسان بوده است.»

غفاری و اونق (۱۳۸۵: ۱۷۹) گزارش کرده‌اند که:

«۶۰.۷ درصد پاسخگویان با همسایگان خود بده‌بستان وسایل زندگی ندارند و ۷۳.۴

درصد پاسخگویان از همسایگان خود راهنمایی و مشورت نمی‌گیرند.»

صدیق سروستانی و نیمروزی (۱۳۸۹: ۲۱۰) نیز بیان می‌کنند که:

«میانگین در میان گذاشتن مشکلات زندگی (مشورت خواستن، درد دل کردن با

همسایگان) در بازه (۰ تا ۲) ۰.۵۲ است.»

۵.۲.۲. کم بودن مشارکت همسایگان

در زیر مؤلفه‌های این مقوله را از نظر می‌گذرانیم:

«کم بودن مشارکت در محله، کم بودن همکاری با شوراهای محلی، کم بودن همکاری با شوراهای محلی، عدم مشارکت همسایگان در آپارتمان‌ها، همکاری حداقلی در بین همسایگان، همکاری بدون هماهنگی در بین همسایگان، کم بودن مشارکت غیررسمی در محله، کم و متوسط بودن مشارکت غیررسمی جدید در محله، کم بودن مشارکت رسمی در محله، کم بودن بعد عینی مشارکت در محله، متوسط بودن بعد ذهنی مشارکت در محله و رضایت‌بخش نبودن مشارکت در محله»

شواهد زیر برخی از مستندات مقوله فوق است:

عبداللہی و امینی (۱۳۸۷: ۴۷) نوشته‌اند که:

«نتایج نشان داد میزان همکاری با شوراهای محلی در سطح نازلی قرار داشته است. این یافته‌ها نیز با نتایج پیمایش ارزش‌ها و نگرش‌های ایرانیان مبنی بر کم بودن میزان همکاری با شوراهای محلی (حدود ۱۰ درصد) هماهنگ بوده است.»

محسنی تبریزی و دیگران (۱۳۹۰: ۱۹۹) نیز گزارش کرده‌اند که:

«نتایج حاصل از یافته‌های توصیفی نشان می‌دهد که میزان مشکلات عدم مشارکت در آپارتمان‌نشینی بر روی طیف ۵-۱، حدود ۲/۷۲ یعنی بالنسبه بالاست.»
معیدفر و مقدم (۱۳۸۹: ۱۴۰) نیز نوشته‌اند:

«آنچه در بررسی‌های به عمل آمده مشاهده می‌شود این است که در مجموع، مشارکت افراد در محله‌ها از وضعیت رضایت‌بخشی برخوردار نیست.»

زندرضوی و دیگران (۱۳۸۸: ۹۴) گزارش کرده‌اند که:

«یافته‌های... در مجموع حاکی از وجود سطح متوسط مشارکت ذهنی و همچنین سطح پایین و متمایل به متوسط مشارکت عینی است.»

همچنین در این باره ساروخانی و امیرپناهی (۱۳۸۵: ۵۲) بیان کرده‌اند:

«۵۶ درصد افراد هیچ‌گونه فعالیتی در این نهادها (مشارکت در امور محله) نداشتند.»

۵.۳. ضعف تعاملات گرم همسایگان

مقوله اصلی ضعف تعاملات گرم همسایگی از دسته‌های فرعی زیر انتزاع شده است:

«کمک کردن محدود، هم‌صحبتی کم، حمایت کم، رفت و آمد کم، قرض ندادن و قرض نگرفتن، تفریح نکردن باهم، کم بودن عواطف مثبت و تعلق» در ادامه از هرکدام از این دسته‌های فرعی، شواهدی ارائه می‌شود.»

درباره کمک، غفاری و اوتق (۱۳۸۵: ۱۷۸) گزارش کرده‌اند که:

«۸۴ درصد پاسخگویان کمک همسایگان را در زمان نیاز به کمک کم بیان کرده‌اند.» همچنین درباره هم‌صحبتی، صدیق سروسستانی و نیمروزی (۱۳۸۹: ۲۱۰) گزارش کرده‌اند که:

«میانگین در میان گذاشتن مشکلات زندگی (مشورت خواستن، درد دل کردن با همسایگان) در بازه (۰ تا ۲) ۰.۵۲ است.»

یوسفی، نوغانی (۱۳۸۸) در این باره بیان کرده‌اند:

«قرینگی و تراکم در میان گذاشتن مشکلات در میان همسایگان بسیار پایین است.»

باستانی (۱۳۸۷: ۷۰) در موضوع حمایت، می‌نویسد:

«آنان به ندرت برای حمایت عاطفی یا مشورت به سراغ همسایگان می‌روند.»

همچنین باستانی و نیکزاد (۱۳۹۳: ۲۰۸) گزارش داده‌اند که:

«حتی در موارد ساده همچون تعمیرات جزئی و مراقبت از فرزندان و سالمندان، اولویت کمتری برای همسایگان خود قائلند.»

نوغانی، اصغرپور، صفا و کرمانی (۱۳۸۸: ۱۲۹) در خصوص رفت و آمد با همسایگان، گزارش کرده‌اند که:

«حدود ۶۰ درصد از پاسخ‌گویان گاهی و یا به ندرت با همسایگان خود رفت و آمد می‌کنند. میانگین این گویه که برابر ۲.۳۱ است نشان می‌دهد میانگین رفت و آمد با همسایگان کمتر از متوسط است.»

گزارش باستانی و ساعی مهر (۱۳۸۶: ۱۵۳) نیز در این باره این است که:

«از کل پاسخگویان ۳۶.۲ درصد (۱۲۶ نفر) با همسایه خود رفت و آمد داشته و تعداد

۲۲۲ نفر با همسایه خود هیچ ارتباط خانوادگی داشتند.»

همچنین وفق گزارش یوسفی، نوغانی (۱۳۸۸: ۱۵۱):

«قرینگی و تراکم رفت و آمد خانوادگی در میان همسایگان بسیار پایین است. همچنین قرینگی و تراکم رفت و آمد فرزندان در میان همسایگان بسیار پایین است.»
در خصوص قرض، غفاری و اونق (۱۳۸۵: ۱۷۹) گزارش کرده‌اند که:
«۷۵.۲ درصد پاسخگویان به همسایگان هم، نه پول قرض می‌دهند نه قرض می‌گیرند.»

همچنین صدیق سروستانی و نیمروزی (۱۳۸۹: ۲۰۸) نوشته‌اند که:
«میانگین قرض دادن و قرض گرفتن وسایل منزل به همسایگان در بازه (۰ تا ۲) ۰.۶۷ است.»

در خصوص تفریح، شارع پور و دیگران (۱۳۹۶: ۶۴) گزارش داده‌اند که:
«۵۲.۸ درصد (۲۰۴ نفر) در یک ماه اخیر با همسایه خود خیلی کم به پارک رفته‌اند.»
درباره‌ی تعلق به یکدیگر، نیز باستانی (۱۳۸۷: ۷۱) نوشته است:
«بنابراین، با اطمینان کامل می‌توان گفت محله اساس بسیاری از روابط شخصی صمیمانه شهرنشینان نیست.»

و اصغرپور و صادقی (۱۳۹۳: ۲۱) نوشته‌اند:
«افرادی که از حیث اعتقادات با یکدیگر متفاوتند سعی بر دوری عاطفی از یکدیگر می‌کنند.»

صدیق سروستانی و نیمروزی (۱۳۸۹: ۱۸۹) نیز نوشته‌اند:
«در تحقیق حجازی (۱۳۷۶) میزان همبستگی در شبکه های همسایگی شهر مشهد در حد پایین برآورد شده است.»

۵.۴. تعاملات سرد همسایگان

مقوله تعاملات سرد همسایگان، حاصل انتزاع موارد زیر است:
«روابط قهرآمیز و سرد بین همسایگان، منفعت طلبی همسایگان، افزایش منفعت طلبی و فردگرایی در بین همسایگان، بدقولی و بی‌نظمی در رفتارهای روزمره همسایگان،

متوسط بودن تعهد (هنجارشکنی) به افراد محله، ضعیف بودن تعهدات محلی (هنجارشکنی) (تلاش برای رفع مشکل) در شبکه‌ی همسایگی، زیاد بودن جرائم در آپارتمان‌ها و پشت گوش انداختن پرداخت شارژ در بین همسایگان».

در ادامه برخی از شواهد مربوط به این مقوله، نقل می‌شود:

محسنی تبریزی و دیگران (۱۳۹۰: ۱۹۹) درباره میزان مشکلات جرائم در آپارتمان نوشته‌اند:

«نتایج حاصل از یافته‌های توصیفی نشان می‌دهد که میزان مشکلات جرائم (تخریب اموال، سرقت، مصرف مواد، مشکلات اخلاقی مثل عربده کشی، فحاشی، مزاحمت و ...) در آپارتمان‌نشینی بر روی طیف ۵-۱، حدود ۲/۷۲ یعنی بالنسبه بالاست.»
اصغرپور و صادقی (۱۳۹۳: ۲۱) نیز نقل کرده‌اند:

«بی اهمیت بودن برخی از ساکنان نسبت به مسائل، ناچیز شمردن معضل، محاسبه سود و زیان، تغییر منفعت‌طلبان هنجار از جمله مواردی است که نشانگر افزایش منفعت‌طلبی و فردگرایی در بین ساکنان است.»
ایشان همچنین گزارش داده‌اند که:

«عدم تماس چهره به چهره، ترس از پیامدهای منفی ارتباط با همسایگان، رابطه در حد سلام، عدم اعتماد، استفاده مقطعی از منزل مسکونی و روابط قهرآمیز از جمله مؤلفه‌های این مقوله است که ساکنان بدان اشاره کردند.»

۵.۵. شناخت محدود همسایگان نسبت به هم

این مقوله موارد زیر را در برمی‌گیرد:

«شناخت محدود از همسایگان، شناخت محدود از همسایگان، غریبگی بین همسایگان، متوسط بودن تراکم آشنایی همسایگان، متوسط بودن قرینگی آشنایی همسایگان و میل به ناشناخته بودن بین همسایگان»

یوسفی، نوغانی (۱۳۸۸: ۱۵۲) گزارش کرده‌اند:

«قرینگی و تراکم آشنایی همسایگان در حد متوسط است.»

همچنین اصغرپور و صادقی (۱۳۹۳: ۲۳) بر اساس نتایج تحقیق نوشته‌اند: «مشغله روزمره همسایگان باعث شده است آن‌ها حتی یکدیگر را در طول هفته و حتی ماه نبینند. برخی ساکنان نیز یکدیگر را نمی‌شناختند و نمی‌دانستند که آیا چنین کسی جزء ساکنان است یا خیر.»

۵.۶. کم بودن اعتماد همسایگان به یکدیگر

مقوله اصلی کم بودن اعتماد همسایگان به یکدیگر حاصل انتزاع «کم بودن اعتماد به همسایگان، کم بودن میزان اعتماد به هم‌محله‌ای‌ها، عدم اعتماد به همسایگان، کم بودن اعتماد به کسبه محل، نگرانی از فرستادن کودکان به خانه همسایگان» است. نتایج بالا مبتنی بر شواهدی است که برخی از آن‌ها در ادامه ارائه شده‌اند: موسوی خامنه و حسن‌پور (۱۳۹۱: ۲۱۷) گزارش کرده‌اند که: «میزان اعتماد پاسخگویان به همسایگان و کسبه محل زیر حد متوسط است.» همچنین غفاری و اونق (۱۳۸۵: ۱۷۰) نوشته‌اند: «۳۱.۲ درصد از پاسخگویان اعتماد کم و ۴۸.۲ درصد تا اندازه‌ای به هم‌محلی‌های خود اعتماد دارند و ۲۰.۶ درصد اعتماد زیادی دارند.»

۶. مرور، بحث و نتیجه‌گیری

تعامل اجتماعی، سنگ بنای جامعه است و جامعه بودن جامعه، در درجه اول به تعاملات آن وابسته است؛ در واقع لازمه شکل‌گیری جامعه، تعاملات مستمر است و دوام و کارایی تعامل مستمر، به تعاملات توأم با عواطف مثبت است. تحلیل دقیق واقعیت اجتماعی، مشخص می‌کند که «خوب و بد» جامعه، در گرو «خوب و بد» تعاملات آن است و از آنجا که واقعیت‌های اجتماعی، محصول عمل و تعاملات انسانی است، ویژگی‌های این عمل‌ها و تعاملات، ویژگی‌های جامعه را تعیین می‌کند. تعامل گرم برابر و نابرابر، "عیار" سلامت گروه، اجتماع و جامعه است.

این تحقیق در پی پاسخ به این سؤال بوده است که وضعیت تعاملات اجتماعی همسایگی - به عنوان یکی از مهم‌ترین قلمروهای تعاملات اجتماعی - در شهرهای ایران

چگونه است؟

داده‌های مربوط به تعاملات اجتماعی در محله و شبکه‌های همسایگی، حاکی از وجود مشکل: «فقدان تعاملات همسایگان، کمبود و کاهش روابط و تعاملات همسایگان، ضعف تعاملات گرم همسایگان، تعاملات سرد همسایگان، شناخت محدود همسایگان نسبت به هم و کم بودن اعتماد همسایگان به یکدیگر» بوده است. در اینجا «مشکل کمبود و کاهش روابط و تعاملات همسایگان» در آثار مرور و «کم بودن انواع تعاملات همسایگی، کم بودن مشارکت همسایگان و عوامل عدم همکاری در همسایگی» نشان داده شد و مشکل «ضعف تعاملات گرم همسایگان»، «کمک کردن محدود همسایگان به یکدیگر، هم‌صحبتی کم میان آنان، حمایت و رفت و آمد کم، قرض ندادن و قرض نگرفتن، تفریح نکردن با هم و کم بودن عواطف مثبت و تعلق» موضوعاتی قابل توجه بوده‌اند. هرکدام از این مشکلات نشان می‌دهد که تعاملات اجتماعی همسایگی در ایران نیز بسیار «کم‌عیار» و همچنین بیمار است.

توضیح بیشتر اینکه: در کلان‌شهرها، محله در اثر مضایقه تعامل از همسایگان، مضمحل شده و یا در حال اضمحلال است و در اثر قطع و ترک تعامل، کم‌تراکم شده است. در حال حاضر «محله خوب، محله‌ای است که محله نباشد» و شاید مهم‌ترین عنصر پاره فرهنگ همسایگی و محله، همین ارزشمندی برقرار نکردن رابطه و تعامل با همسایگان و ترک تعامل با آنان است و «آگزمای اجتماعی» و «فرهنگ اضمحلال محله»، به‌خوبی قابل مشاهده است. ما با مضایقه از تعامل یا ترک تعامل با همسایگان و فرار از آن‌ها، یکدیگر را از داشته‌ها و توانایی‌هایمان محروم می‌کنیم. در وضعیت فقدان تعامل، ایجاد آثار تعامل نیز منتفی است. در وضعیت فقدان مطلق تعامل با همسایگان، از مشارکت، امتناع می‌شود و از همکاری ولو برای حصول منافع مشترک و تولید کالای عمومی و منفعت همگانی - که نصیب تولیدکنندگان نفع نیز می‌شود - اعراض می‌گردد. توافقات و هنجارها - به‌عنوان عنصری حیاتی در زندگی اجتماعی - شکل نمی‌گیرد. اعتماد، همبستگی و تعلقات پایدار و سرمایه‌های باارزش اجتماعی، در محلات مشاهده

نمی‌شود؛ این در حالی است که «سرمایه اجتماعی در محله و در روابط همسایگان، افزایش امنیت محله و کاهش جرائم را در پی خواهد داشت و محلات با سرمایه اجتماعی بیشتر، امن تر هستند، از میزان اعتماد اجتماعی بالاتری برخوردارند و آمادگی بیشتری برای برخورد با مسائل محلی دارند.» (باستانی، ۱۳۸۷: ۶۰) طبق نتایج تحقیقات دیگر و تجربه زیسته اشخاص در ایران، مضایقه از تعامل و ترک تعامل با همسایگان، به نحوی مضاعف وجود دارد. یکی دیگر از آثار آن، تنهایی و احساس بی‌کسی در میان مجاوران فیزیکی است. تنهایی، وقتی به وجود می‌آید که شبکه روابط انسان از بین برود. تنهایی یعنی فقدان رابطه با دیگران و وقتی کسانی در اطراف ما باشند اما با آن‌ها تعاملی نداشته باشیم یا تعاملاتمان صرفاً ابزاری و خالی از عواطف مثبت و گرما باشد، باز هم احساس تنهایی می‌کنیم. بی‌کسی ایرانیان، موضوعی است که شواهد بسیاری مؤید آن است و هم به معنای بی‌کسی عینی و هم به معنای احساس بی‌کسی، بیگانگی و انزوا و تنهایی است.

طبق یافته‌های تحقیق حاضر، یکی از مشکلات تعامل همسایگی، ضعف تعاملات گرم همسایگان است. این تعاملات، شرط بقای اجتماع طبیعی‌اند و هر جامعه‌ای -حتی توسعه‌یافته‌ترین جوامع- در عرصه‌ها و قلمروهای بسیاری از جمله همسایگی، محتاج وجود و رواج چنین تعاملاتی است، حتی اگر وجود تعاملات فارغ از بار عاطفی نیز در عرصه‌هایی دیگر از همان جامعه، مورد نیاز و کارکردی باشد؛ زیرا انسان به طور بنیادی و همیشگی، نیازهایی مرتبط با این تعاملات دارد. دورکیم که جوامع را به جوامع دارای پیوندهای مبتنی بر عواطف و باورهای مشترک (همبستگی مکانیکی) و جوامع مبتنی بر وابستگی‌ها و نیازمندی‌های متقابل (همبستگی ارگانیکی) تقسیم کرد و جوامع مدرن را در دسته اخیر قرار داد، منکر اهمیت عواطف مشترک و تعلقات و پیوندهای عاطفی حتی در جوامع مدرن نشد. او بر آن بود که جامعه نمی‌تواند صرفاً مبتنی بر قرارداد باشد؛ هر جامعه‌ای نیاز به یک پایه و بنیان اخلاقی هم دارد تا این قراردادها موفق باشند. (به نقل از: کوزر، ۱۳۸۵: ۱۹۱؛ شارع‌پور، ۱۳۹۳: ۱۱۷). علاوه بر ترک تعامل یا مضایقه از آن و

ضعف تعاملات گرم، وجود تعاملات سرد در بین همسایگان مشهود است. مشکل بزرگی که برخلاف نیازهای زیادی است و موجب رنج آدمی است و مولد بی‌اعتمادی به همسایه، فرسایش سرمایه اجتماعی همسایگان و از بین برنده احساس امنیت در محله است. احساس عدم امنیت، متأثر از غریبگی ساکنان محله با یکدیگر و تعاملات سرد آنان با یکدیگر است.

از مطالب پیش گفته، نتیجه گرفته می‌شود که اجتماعات شهری ایران در حیث تعاملات اجتماعی میان همسایگان دچار مشکلات متنوعی است.

در تحلیل یافته‌های تحقیق حاضر و برای درک ربط مشکلات کشف و توصیف شده در اینجا با سلامت و تعادل شهرهای ایران، توجه به این امر لازم است که مشکلات مربوط به تعاملات اجتماعی، ریشه سایر مسائل اجتماعی‌اند. برای توضیح این مطلب، بر جامعه ایران متمرکز می‌شویم: در یک نگاه جامعه‌شناختی، می‌توان مدعی شد که ریشه مسائل اجتماعی، کم‌عیاری جامعه ایران است. مهم‌ترین مؤلفه جامعه کم‌عیار، کمبود تعاملات گرم و همبستگی اجتماعی است. همبستگی اجتماعی نیز معلول تعامل است؛ در نتیجه مهم‌ترین متغیر کم‌عیاری جامعه، مربوط به تعاملات اجتماعی است: غلبه تعاملات سرد و ضعف تعاملات گرم، مضایقه از تعامل، ترک تعامل و... مانع برساخته شدن ساختارهای متناسب با نیازهای فردی و جمعی و مانع خلق فرهنگ و توافقات مورد نیاز است و اینها عمده‌ترین لوازم برساختن جامعه است. برساخت‌های اجتماعی، مستقیم و غیرمستقیم محصول تعاملاتند و آسیب‌های گسترده آن، به کم و کیف تعاملات مربوط است.^۱ اگر مسائل اجتماعی کشف شده محققان و نظریه پردازان ایرانی، فهرست شود مشاهده می‌شود که بسیاری از مسائل، مشکلی تعاملی‌اند مثل کمبود همکاری و مشارکت، پارتی بازی، ناسازگاری خانوادگی، نزاع‌های خیابانی، کلاهبرداری، قتل‌های ناموسی و... همچنین مشاهده می‌شود که بسیاری از مسائل دیگر، آثار مشکلات تعاملی‌اند و راه حل آنها نیز اصلاح تعاملات اجتماعی به شیوه‌هایی معین است؛ برای

۱. تفصیل این معنا در مقاله‌ای مستقل -که در حال آماده سازی است- انتشار خواهد یافت.

مثال، مشکل بی‌اعتمادی اجتماعی یا ناامنی، تنهایی، نابرابری اجتماعی، عدم انسجام و عدم همبستگی اجتماعی و... مشکلاتی که با عنوان مسائل فرهنگی جامعه ایران شناخته می‌شود نیز منشأ و راه حل تعاملی دارند؛ زیرا خلق و تغییر فرهنگ، امری متوقف بر تعاملات اجتماعی است. نقص فرهنگی - که ناشی از شکل نگرفتن توافقات درباره موضوعات و مسائل جدید است - و دو یا چندگانگی فرهنگی و شکاف‌ها و گسست‌های عمیق اندیشه‌ای و عاطفی - که نتیجه عدم توافق درست و غلط و خوب و بدهاست - به شیوه تعاملات اجتماعی ایرانیان مربوط است. اصولاً توافق کردن فرایندی تعاملی است و بدون تعاملات مستمر گفت و گویی، توافق ممکن نیست و عناصر فرهنگی مورد قبول اکثریت پدیدار نمی‌شوند. البته چون این مسأله نزد کثیری از کنشگران اجتماعی و مطالعه‌کنندگان کنش‌های آنان مشکل تلقی نمی‌شود یا در مقام تبیین و یا ترسیم وضع ایده‌آل، جایگزین‌های دیگری تصور می‌شود؛ همانند بسیاری دیگر از مسائل اجتماعی ایران، رسیدن به توافق همگانی بر سر اصل مشکل و راه حل آن، اولین گام حل مشکل است. از نظر ما، درمان جامعه ایران، «گفتگوی همگانی مستمر» برای رسیدن به فهم مشترک از مشکل و سپس «توافق بر شیوه زندگی جدید» است. در واقع درمان اجتماعی باید از کل به جزء آغاز شود. همچنین اولین موضوع برای توافق در تمام عرصه‌ها و قلمروهای اجتماعی، «وفای به عهد» است که پایه هر توافق و تعهد دیگری است.

منابع لاتین

- hatala, j.-p. (2006). Social Network Analysis in Human Resource Development. *Human Resource Development Review*, 45-71.
- Hsieh, H.-F & ,Shannon, S. (2005). Three Approaches to Qualitative Content Analysis. *QUALITATIVE HEALTH RESEARCH*, 1277-1288.
- Krippendorff, K. (2004). *Content analysis: an introduction to its methodology*. London: SAGE Publication .
- Mayring, P. (2014). *Qualitative Content Analysis. Theoretical Foundation, Basic Procedures and Software Solution*. Austria: Klagenfurt.

- Putnam, R. (2000). *Bowling Alone (the collapse and revival of American)*. New York: Simon and Schuster Paperbacks.
- Wasserman, S., & Faust, K. (1994). *Social Network Analysis: Methods and Applications*. Cambridge: Cambridge University Press.
- Zhang, Y. (2006). *Content analysis (qualitative, thematic)*.

منابع فارسی

- اسمعیلی، معصومه؛ دشتی، اعظم؛ دهدشت، کوثر. (۱۳۹۷). تجربه‌ی زنان تهرانی از بی‌اعتنائی اجتماعی در روابط همسایگی. زن در توسعه و سیاست (پژوهش زنان) دوره‌ی شانزدهم (۲): ۲۲۱-۲۴۱.
- اصغرپور، احمدرضا؛ صادقی، عطیه. (۱۳۹۳). همکاری و خیر جمعی در یک مجتمع مسکونی. مطالعات جامعه‌شناختی شهری. سال چهارم. ۱۲۹-۱۶۰.
- آگبرن، ویلیام. فیلدینگ و نیم‌کوف، مایر. فرانسیس. (۱۳۵۳). زمینه‌ی جامعه‌شناسی. امیرحسین آریان‌پور. تهران: شرکت سهامی کتاب‌های جیبی با همکاری مؤسسه‌ی انتشارات فرانکلین.
- امامی، علی؛ هاشم‌نژاد شیرازی، هاشم؛ طاهایی، سید عطاالله و وحید شالی‌امینی. (۱۳۹۳). تأثیر محیط کالبدی بر تعاملات میان همسایگان (نمونه‌ی موردی: مجموعه‌های مسکونی استان گلستان). دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکزی، تهران: دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکزی.
- ایمان، محمدتقی و نوشادی، محمودرضا. (۱۳۹۰). تحلیل محتوای کیفی. پژوهش. سال سوم. ۴۴-۱۵.
- باستانی، سوسن و ساعی‌مهر، منیره. (۱۳۸۶). سرمایه‌ی اجتماعی و مهاجرت و استقرار در شهرهای بزرگ؛ مورد مطالعه: شهر تبریز. جامعه‌شناسی ایران، دوره‌ی هشتم. ۱۳۶-۱۶۷.
- باستانی، سوسن و نیکزاد، سلمه. (۱۳۹۳). شبکه‌های اجتماعی فردی و دلبستگی به محله در شهر تهران: با تأکید بر وسایل ارتباطی نوین. مطالعات و تحقیقات اجتماعی در ایران، دوره‌ی دوم. ۱۹۳-۲۱۹.
- باستانی، سوسن. (۱۳۸۷). بررسی سرمایه‌ی اجتماعی شبکه در ۱۰ محله‌ی تهران: بررسی جایگاه روابط محلی در شبکه‌های اجتماعی. مجله‌ی مطالعات اجتماعی ایران، دوره‌ی دوم. ۷۴-۵۵.

بخشی، پریسا؛ اکبری قمصری، امیر و تولایی، نوین. (۱۳۹۹). بررسی نقصان روابط همسایگی و عوامل اجتماعی مؤثر بر آن در ۹ محله شهر تهران. مسائل اجتماعی ایران دوره یازدهم (۱): ۳۴-۷.

بهزادپور، محمد؛ گرجی مهلبانی، یوسف و سهیلی، جمال الدین. (۱۳۹۹). ارزیابی نقش طبیعت بر تعاملات همسایگی در مجتمع‌های مسکونی (مورد مطالعه: مجتمع مسکونی اکباتان تهران و مجتمع مسکونی پردیسان قم). آمایش محیط، دوره سیزدهم: ۱۳۱-۱۵۲.

بورديو، پيتر. (۱۳۸۹). شکل‌های سرمایه. افشین خاکباز و حسن پویان، در: کیان تاجبخش. سرمایه اجتماعی (اعتماد، دموکراسی و توسعه) تهران: شیرازه. ۱۳۱-۱۶۵.

پارسامهر، مهربان؛ بیرجندی چهارطاقی، فاطمه. (۱۳۹۸). آزمون تجربی تئوری کنش عقلانی در تبیین تعاملات همسایگی (مورد مطالعه: جامعه شهری یزد). جامعه‌شناسی نهادهای اجتماعی، دوره ششم (۱۳): ۶۷-۹۴.

چلبی، مسعود و امیرکافی، مهدی. (۱۳۸۳). تحلیل چندسطحی انزوای اجتماعی. مجله جامعه‌شناسی ایران، دوره پنجم. ۳-۳۱.

چلبی، مسعود. (۱۳۸۶). جامعه‌شناسی نظم. تهران: نی.

چیتامبار، جی.بی. (۱۳۸۵). مقدمه‌ای بر جامعه‌شناسی روستایی. احمد حجاران و مصطفی ازکیا. تهران: نی.

حسن پور، آنهیتا؛ امیدواری، سمیه و صدر ارحامی، محمدحسین. (۱۳۹۷). بررسی عوامل مؤثر بر ارتقای تعاملات اجتماعی در فضاهای شهری (نمونه موردی: میدانچه جلفا - اصفهان). معماری‌شناسی، دوره یکم (۵): ۱-۹.

خاک‌پور، براتعلی؛ مافی، عزت‌الله و باوان پوری، علیرضا. (۱۳۸۸). نقش سرمایه اجتماعی در توسعه پایدار محله‌ای (نمونه: کوی سجادیه مشهد). جغرافیا و توسعه ناحیه‌ای ۵۵-۸۱.

خطیبی، اعظم. (۱۳۹۶). تبیین جامعه‌شناختی تعاملات همسایگی و تأثیر آن بر احساس نشاط اجتماعی شهروندان در شهر همدان. مطالعات جامعه‌شناختی شهری (مطالعات شهری) دوره هفتم (۲۲): ۱۱۷-۱۳۴.

رازقی، نادر؛ شارع پور، محمود و ابراهیمی گنابی، حسن. (۱۳۹۵). بررسی عوامل اجتماعی مؤثر بر میزان روابط همسایگی؛ مطالعه موردی: شهروندان ساکن شهر بابل. مجله جامعه‌شناسی

ایران، دوره هفدهم (۳): ۷۷-۴۹.

ربانی خوراسگانی، علی؛ صدیق اورعی، غلامرضا و خنده‌رو، مهدی. (۱۳۸۸). بررسی سرمایه اجتماعی و عوامل مؤثر بر شکل‌گیری آن در سطح محله. علوم اجتماعی، دوره ششم (۲): ۱۱۹-۱۴۹.

رستگار خالد، امیر؛ سلمانی بیدگلی، مسعود و آران دشتی، سمیه. (۱۳۹۳). بررسی رابطه سرمایه اجتماعی همسایگی با احساس امنیت محله‌ای (مورد مطالعه: شهر آران و بیدگل). مطالعات جامعه‌شناختی شهری، دوره چهارم (۱۱): ۹۱-۱۲۶.

رستگار خالد، امیر؛ آران دشتی آرانی، سمیه و صادقی آرانی، زهرا. (۱۳۹۲). بررسی سرمایه اجتماعی همسایگی و پیامدهای اصلی مرتبط با آن (مطالعه موردی: شهر آران و بیدگل، منطقه آران). مطالعات توسعه اجتماعی - فرهنگی، دوره اول (۴): ۱۷۷-۲۱۴.

روشه، گی. (۱۳۹۱). جامعه‌شناسی تالکوت پارسنز. عبدالحسین نیک گهر. تهران: نشر نی.
زند رضوی، سیامک؛ ضیائی، کیوان و رحمانی، مریم. (۱۳۸۸). ظرفیت‌های سرمایه اجتماعی برای برپایی اجتماعات محله‌ای در شهر «دوستانار کودک» در بم. رفاه اجتماعی، سال نهم. ۸۱-۱۰۴.

زیمل، گئورگ. (۱۳۹۲). درباره فردیت و فرم‌های اجتماعی. شهناز مسمی پرست. تهران: نشر ثالث.

ساروخانی، باقر و امیرپناهی، محمد. (۱۳۸۵). ساخت قدرت در خانواده و مشارکت اجتماعی. زن در توسعه و سیاست، دوره چهارم. ۳۱-۶۰.

ساروخانی، باقر؛ نظری، فهیمه و وثوقی، منصور. (۱۳۹۶). بررسی جامعه‌شناختی رابطه اعتماد اجتماعی و ارتباطات انسانی با تأکید بر خانواده‌های شهر تهران در سال ۳۹۵-۱۳۹۳. مطالعات جامعه‌شناختی شهری، سال هفتم. ۱-۳۰.

سالاری پور، علی اکبر؛ رضانی، حمیدرضا؛ زالی، نادر؛ صفای کارپور، مریم. (۱۳۹۷). بررسی کیفیت روابط همسایگی درون محله ایرانی اسلامی و نقش آن در دلبستگی به مکان؛ مطالعه موردی: محله ساغری‌سازان شهر رشت. مطالعات شهر ایرانی اسلامی، دوره نهم (۳۴): ۳۵-۴۷.

شارع‌پور، محمود. (۱۳۹۳). جامعه‌شناس شهری. تهران: سمت.

شارون، جوئل. (۱۳۸۶). ده پرسش از دیدگاه جامعه‌شناسی. تهران: نی.

صدیق اورعی، غلامرضا و فرزانه، احمد. (۱۳۹۵). بی‌کسی ایرانیان. در: جستارهایی در سرمایه اجتماعی در ایران. تهران: پژوهشگاه فرهنگ، هنر و ارتباطات، شورای اجتماعی کشور. ۹۷-۱۰۷.

صدیق اورعی، غلامرضا. (۱۳۹۵.۱۲.۱۹). راه ارتقای اعتماد اجتماعی. (مصاحبه‌کننده: احمد فرزانه)

صدیق اورعی، غلامرضا؛ فرزانه، احمد؛ باقری، مهدیه و محمدی، سیده شیوا. (۱۳۹۸). مبانی جامعه‌شناسی (مفاهیم و گزاره‌های پایه). قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.

صدیق سروستانی، رحمت‌اله؛ نیمروزی، نوروز. (۱۳۸۹). بررسی ارتباط بین مشارکت در روابط همسایگی و احساس امنیت در محلات شهر مشهد. فصلنامه دانش انتظامی، سال دوازدهم. ۱۸۵-۲۲۰.

صدیق سروستانی، رحمت‌اله؛ نیمروزی، نوروز. (۱۳۹۰). سنخ‌شناسی روابط اجتماعی در شبکه‌های همسایگی در شهر مشهد. جامعه‌شناسی مسائل اجتماعی. ۳۸-۹.

طرح سنجش سرمایه اجتماعی در ایران. (۱۳۹۳). تهران: مرکز ملی رصد اجتماعی وزارت کشور.

عباسی اسفجیر، علی اصغر و رحمانی فیروزجاه، علی. (۱۳۸۳). محله‌ها و روابط همسایگی، مکانیسمی ساختاری در ایجاد جرم. فصلنامه علوم اجتماعی، (۳): ۱۱۹-۱۳۳.

عباسی هرفته، محسن؛ صادقیان، علی. (۱۳۹۸). الگوهای کالبدی همسایگی در بافت تاریخی یزد؛ شاخصه‌ها، ابزارهای معمارانه و اصول معماری همسایگی. باغ نظر، دوره شانزدهم (۸۰): ۱۶-۵.

عبداللهی، محمد. و امینی، سعیده. (۱۳۸۶). تحلیل جامعه‌شناختی دگردوستی در ایران (مطالعه موردی: شهر تهران). مجله جامعه‌شناسی ایران، دوره هشتم. ۲۸-۵۰.

غفاری، غلامرضا و اونق، نازمحمد. (۱۳۸۵). سرمایه اجتماعی و کیفیت زندگی. مجله مطالعات اجتماعی ایران، دوره اول. ۱۵۹-۱۹۹.

فیالکوف، یانکل. (۱۳۸۸). جامعه‌شناسی شهر. عبدالحسین نیک گهر. تهران: موسسه نشر آگه.

قنبران، عبدالحمید؛ مرضیه جعفری. (۱۳۹۳). بررسی عوامل مؤثر بر ارتقای تعاملات اجتماعی در

- میان ساکنان محله مسکونی (نمونه موردی: محله درکه - تهران). معماری و شهرسازی ایران، دوره پنجم (۱): ۵۷-۶۴.
- کوزر، لوئیس (۱۳۸۵). زندگی و اندیشه بزرگان جامعه‌شناسی. محسن ثلاثی. تهران: علمی.
- کوزر، لوئیس و روزنبرگ، برنارد. (۱۳۸۵). نظریه‌های بنیادی جامعه‌شناختی. فرهنگ ارشاد. تهران: نشر نی.
- لقمان، مونا؛ زهرا سادات، سعیده زرابادی؛ بهزادفر، مصطفی. (۱۳۹۷). سنجش و مقایسه سرمایه اجتماعی در گونه‌های متفاوت محلات شهری (نمونه موردی: محله سلطان میر احمد و فین کاشان). پژوهش‌های جامعه‌شناسی معاصر، دوره هفتم (۱۳): ۶۱-۸۹.
- محسنی تبریزی، علیرضا؛ یاهک، سجاد؛ قهرمانی، سهراب و باصری، علی. (۱۳۹۰). مطالعه میزان مشکلات آپارتمان‌نشینی و عوامل تأثیرگذار بر آن در کرج. تحلیل اجتماعی، شماره چهارم. ۱۸۱-۲۰۹.
- معیدفر، سعید و مقدم، غلامرضا. (۱۳۸۹). نقش هویت محله‌ای در کاهش و کنترل گرایش به رفتارهای نابهنجار اجتماعی در شهر (مطالعه: محله‌های شهر تهران). مسائل اجتماعی ایران، سال اول. ۱۱۵-۱۴۳.
- منادی، مرتضی. (۱۳۸۸). بررسی انسان‌شناختی روابط همسایگی (مطالعه تطبیقی روابط زنان شاغل و خانه‌دار). مجله مطالعات اجتماعی ایران، دوره سوم (۲): ۱۰۴-۱۲۲.
- مرکز آمار ایران. (۱۳۹۶، ۲۳۷). درگاه ملی آمار
- مهرابیان، ساهره و عبداللهی، فرزین. (۱۳۹۸). راهکارهای افزایش تعاملات اجتماعی در مجتمع‌های مسکونی (مطالعه موردی: مجتمع مسکونی اکباتان، بهجت آباد و فرهنگیان تهران). معماری‌شناسی، دوره دوم (۱۱): ۱-۹.
- موسوی خامنه، مرضیه و حسن‌پور، زینب. (۱۳۹۱). بررسی تحلیلی-تطبیقی سرمایه اجتماعی در محلات مساعد و نامساعد شهر تهران. مسائل اجتماعی ایران، سال سوم. ۲۰۳-۲۲۸.
- موسوی، سید یعقوب و صفری، سحر. (۱۳۹۵). رشد شهرگرایی و احساس تعلق محله‌ای. برنامه‌ریزی توسعه شهری و منطقه‌ای، سال اول. ۳۱-۶۲.
- نوابخش، مهرداد، و رفیعی‌فر، مریم. (۱۳۸۷). بررسی جامعه‌شناختی روابط همسایگی در مجتمع‌های مسکونی شهر تهران (مطالعه موردی: منطقه دو شهرداری). مطالعات توسعه

اجتماعی ایران، دوره اول (۱): ۵۱-۶۵.

نوغانی، محسن؛ اصغرپور ماسوله، احمدرضا؛ صفا، شیما و کرمانی، مهدی. (۱۳۸۷). کیفیت زندگی شهروندان و رابطه آن با سرمایه اجتماعی در شهر مشهد. مجله علوم اجتماعی

دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه فردوسی مشهد، سال پنجم، ۱۱۱-۱۴۰.

نیک‌بخت، حسنیه؛ قنبران، عبدالحمید و خاکی، علی. (۱۳۹۴). بررسی نقش فضاهای مشاع در

ارتقای تعاملات همسایگی ساکنین برج‌ها (نمونه موردی: شهر مشهد). پایان‌نامه کارشناسی

ارشد، تهران: دانشگاه تربیت دبیر شهید رجایی.

هورتولانوس، رلوف؛ مشیلز، انجا و میوسن، لودوین. (۱۳۹۴). انزوای اجتماعی در جامعه مدرن.

لیلا فلاحی سرابی و صادق پیوسته. تهران: جامعه‌شناسان.

یوسفی، علی؛ نوغانی، محسن و حجازی، مهلا. (۱۳۸۸). انسجام در شبکه‌های همسایگی شهر

مشهد. مجله جامعه‌شناسی ایران، دوره دهم، ۱۳۸-۱۶۱.





پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی